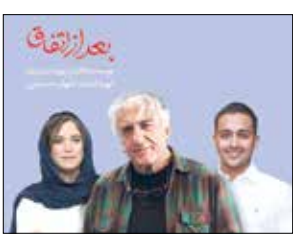


■ **چاپ سوم رمان های «پریاد» و «سوک مغان» نوشته محمدعلی علومی از سوی نشر آموث منتشر شد:** علومی پیش از این در رمان «ظلمات» و دو مجموعه داستان کوتاه «هزار رویکشپ نو» و «قصه‌های غریب، مردمان عادی» به فرهنگ مردم و بهره‌مندی از افسانه‌ها و اسطوره‌ها به روابط اجتماعی مردم شهر بم پرداخته است.

■ **رضا کیانیان، ستاره پسیانی و یسنا میرطهماسب به جمع بازیگران فیلم «بعد از اتفاق» پیوستند:** این فیلم که به کارگردانی پوریا حیدری مجوز ساخت گرفته با تهیه‌کنندگی مشترک کمپانی پی‌اس فیلم قبرس، کمپانی گریز متری کانادا، کمپانی پل مدیا امریکا



و کمپانی ای‌ای‌ام یو فنلاند ساخته می‌شود.

■ **علی خدایی، ناهید طباطبایی و عالیه عطایی به‌عنوان اعضای هیأت داوران ششمین دوره جایزه فرشته انتخاب شدند.** همچنین حسن محمودی، مهدی افروزشنش و کاوه فولادی‌نسب نیز به‌عنوان اعضای هیأت انتخاب معرفی شدند.

■ **مشهد مقدس با اکران «خروج» ابراهیم حاتم‌ی کیا به‌عنوان دومین شهر بزرگ میزبان «سینما ماشین» خواهد بود.**

■ **نامزدهای نهایی بخش رمان سومین دوره جایزه ادبی «احمد محمود» معرفی شدند** که محمد حسینی، کامران سپهران و امیر نصری دآوری این بخش را بر عهده داشتند. نتایج نهایی تا پایان خردادماه اعلام می‌شود.

■ **دستور طرح جدید حمیدرضا بیدقی بر اساس قطعه «همدم» تقدیم به هنرمندان پیشکسوتی که با هنرشان با کادر درمانی هم‌دلی کردند، منتشر شد.**

■ **سینماهای ایالات کالیفرنیا به‌عنوان بزرگترین بازار سینمایی امریکا از تاریخ ۱۲ ژوئن (۲۳) خرداد با کاهش ۲۵ درصدی ظرفیت آغاز به کار می‌کنند.**

■ **اسامی دو سینماهای راه‌افته به مرحله داورى سومین دوره جایزه «ارغوان» منتشر شد.** لیلی گلستان، احمد پوری و حسین سنایور داوران جایزه داستان کوتاه «ارغوان» هستند.

■ **جشنواره بین‌المللی مستند شفیلد در کشور انگلستان نام سه فیلم ایرانی را در برنامه نمایش سال ۲۰۲۰ خود قرار داد؛ در این رویداد سینمایی که امسال به‌دلیل شیوع ویروس کرونا به‌صورت آنلاین و از تاریخ ۲ ژوئن (۲۱ خرداد) برگزار می‌شود.**

نگذاریم افسوس هنرمندان صنایع دستی بیشتر شود

در کارگاه کوزه‌گری رفتم دوش دیدم دو هزار کوزه گویای خموش ناگاه یکی کوزه برآورد خروش کو کوزه‌گر و کوزه‌خرو و کوزه فروش صنایع دستی لطفی بیکران و گنجینه‌ای پرازش است، اما نامحرمان قابلیت دیدن آنها را ندارند.

ما مسیعیم و نصیریوم و صبریم و خوشم با شما نامحرمان ما خاشمش

بیشترین ارزش افزوده، کمترین وابستگی به خارج، کارپردی‌ترین هنر، بومی‌ترین زیبایی شناسی، هویتی‌ترین صنعت، ارزش‌آورترین رشته هنری، اشتغال‌زاترین شغل، معنوی‌ترین صنعت، متنوع‌ترین رشته، آسان‌آموزترین شغل، ... اینها نه به‌دلیل تعصب و شیفتگی بلکه به‌دنبال سال‌ها تحقیق و مسئولیت در سطح شورای جهانی صنایع دستی با معاون تحقیقاتی کمیسوین ملی یونسکو ادعا می‌شود. با وجود این، برخی کشورهای دیگر دنیا با ناداشتن بسیاری از بضاعت‌های موجود در کشور ما ده‌ها بلکه گاهی صدها برابر در تجارت بنیادین دگرگون نشود و اراده‌ای ملی صورت نپذیرد و وضعیت نه تنها بهبود پیدا نمی‌کند بلکه روز به روز فرصت‌های استثنایی نیز کمتر می‌شود و افسوس هنرمندان و فرهنگ دوستان بیشتر می‌گردد.

گشتی در حوالی کتایفروش‌ها

انتشار آثاری شوق‌انگیز در روزهای دشوار کرونایی

مریم‌شهبازی
خبرنگار

کرونا باوجود همه محدودیت‌هایی که در سبک زندگی و حتی نحوه گذران مشاغل مختلف ایجاد کرده، در برخی جهات چندان بازدارنده نبوده؛ نه اینکه تأثیر منفی به جای نگذاشته باشد؛ اما برخی‌ها، از جمله اهالی کتاب و نشر تلاش کرده‌اند زودتر از سایر حوزه‌های فرهنگ و هنر به روند عادی‌شان بازگردند. یکی از مهم‌ترین مصداق‌های این گفته را هم می‌توان در بازگشتایی دوباره کتابفروشی‌ها، یا حتی از سرگیری فعالیت‌های حوزه نشر دانست. طی یک هفته اخیر خبرانتشار کتابی از استاد محمدرضاشفیعی دکدنی، قدری حال و هوای این روزهای علاقه‌مندان ادبیات را بهبود بخشید. این کتاب که چندی است به

نداسیجانی
خبرنگار

دلخوری هنرمندان موسیقی از صدواسیمیا به سال‌های دور برمی‌گردد، از آن روزها و روزگاری که رنگ موسیقی در رسانه ملی سفارشی و فرمایشی شد و رخ سازها از سیمای ملی برچیده گردید تا روزهای بعد آن و گلایه استادان موسیقی چون شهرام ناظری و... که صدواسیمیا آثارشان را بدون اجازه‌بخش می‌کند همچنان ادامه دارد و تا به امروز که برنامه‌هایی سرگرم‌کننده با عنوان استعدادیابی چون «عصر جدید» سودای شناخت و معرفت در باب هنر دارند و هنرمندان جوان و نوجوان موسیقی دانسته یا ندانسته این صحنه را سکوی پرتاب خود دیده‌اند و منتخبان جشنواره‌های بزرگی چون موسیقی جوان و نوا ی خرم هنر خود را در این عرصه به منصفه ظهور گذاشته بدون آنکه بداند سرانجام این تشویق‌ها و به‌به و چه‌چه‌ها چه خواهد شد! حمیدرضا دالان از هنگسازان و پژوهشگران با تجربه موسیقی ایران و از اعضای هیأت داوران جشنواره ملی موسیقی جوان است و طی این سال‌ها مسئولیت مشاور بخش موسیقی مقامی این جشنواره را بر عهده داشته است. دالان در اغلب رویدادهای مؤثر در حوزه موسیقی نواحی ایران حضور داشته و از بسیاری موسیقیدانان نواحی آثار با ارزشی را گردآوری کرده است. همچنین او در ثبت آثار موسیقی ایران به‌عنوان میراث آثار و جهانی در سازمان یونسکونقش داشته است. با او در مورد حضور نسل نوظهور موسیقی در برنامه عصر جدید به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

■ **چه عواملی موجب می‌شود شرکت‌کننده‌های نوجوان و جوان جشنواره ملی موسیقی جوان دیده شدن‌ها در این جشنواره پرو بیمان را بهانه‌ای برای حضور در شبکه‌های تلویزیونی قلمداد کنند؟**

جشنواره موسیقی جوان وظایف و اهداف معین و محدودی دارد و بخشی از یک کل است. این جشنواره به‌عنوان یک مرجع معتبر در موسیقی قادر است اصالت جریان های موسیقی را تشخیص دهد و اعلام کند، موفق بوده است. این نوع جشنواره‌ها نقش وضعی دارند و تأثیر در تأسیس ماهیت امور به عهده آنان نیست. حضور آنها مؤثر در روشن کردن رویدادها و ریشه‌های آن است و در یک کارکرد انضمامی وضعیت آینده را متذکر می‌سازد؛ بنابراین موسیقیدانان جوان می‌توانند خود را محک بزنند و جایگاه خود را تشخیص دهند یا مطمئن شوند که در جامعه موسیقی خود و کشور آنچه در ذهن خود می‌پندارند تا چه اندازه با واقعیت نزدیک است. جشنواره موسیقی جوان نمی‌تواند صرفاً به یک نفر یا چند نفر توجه نشان دهد، این جشنواره چفتی را نشان می‌دهد و سعی دارد به حفظ صورت و محتوای موسیقی ایران یاری رساند. اما اطلاق مفهوم دیده شدن برای برخی از انواع موسیقی مانند مقامی یک تناقض است.

■ **چرا دیده شدن تناقض است؟ هر نوع موسیقی برای شنیدن و مخاطب است!**

درفرغان ایرانی دیدار بینی موضوعی است، که اشاره به نسبت نوازنده و خواننده یا معانی کلی دارد. «همی بیند که در هر ذره‌ای روبی است او را / در تگر ای کورلد گر دیده دیدار داری.» دیدار بینی غیر از دیده شدن است، هنگامی که انسان بخت دیداری‌یابد، با هستی و نیستی نسبت پیدا می‌کند و موضوع کلی و فراتر از من به‌عنوان سوره منتزع است. در بیان دیگر موسیقی مقامی برای دیده شدن مجری آن تکوین نیافته، بلکه برای این است که مجری و هم‌راهان او یعنی مخاطبان، حقیقتی را دیدار کنند. اگر مضامین این نوع موسیقی و جایگاه اجرا را در نظر نیاوریم اشتباه است.

■ **به‌عنوان مشاور بخش موسیقی مقامی جشنواره موسیقی جوان و عضو هیأت داوران، از دیدگاه شما جشنواره موسیقی جوان چه وظیفه‌ای در حمایت از نسل نوظهور موسیقی دارد؟ آیا بعد از پایان جشنواره**



مبین درپور I

می‌بایست حمایتی وجود داشته باشد؟
بله. مهم‌ترین وظیفه جشنواره توجه به حفظ صورت و ماهیت انواع موسیقی حاضر در جشنواره، تداوم در کار و توسعه صوری و معنایی، حفظ استقلال رأی فنی و حفظ همکاران متخصص است و دور نگاه داشتن اجرای جشنواره از اعمال مدیریت سیاسی.

■ **آیا طی سیزده دوره برگزاری جشنواره موسیقی جوان، موضوعاتی که اشاره کردید مورد توجه مسئولان برگزار کننده بوده و رعایت شده است؟**
در پایان هر دوره، دبیر جشنواره از طرف هیأت داوران در مراسم اختتامیه بیانیه‌ای قرائت می‌کند، این بیانیه پیشنهادهای معنایی و اجرایی را در بر دارد که انجام آخرین مسئولیت و اقدام جشنواره است. گمان می‌کنم مسئولان دولتی به مفاد این

جشنواره موسیقی جوان وظایف و اهداف معین و محدودی دارد و بخشی از یک کل است. این جشنواره به‌عنوان یک مرجع معتبر در موسیقی قادر است اصالت جریان های موسیقی را تشخیص دهد و اعلام کند، موفق بوده است. این نوع جشنواره‌ها نقش وضعی دارند و تأثیر در تأسیس ماهیت امور به عهده آنان نیست. حضور آنها مؤثر در روشن کردن رویدادها و ریشه‌های آن است و در یک کارکرد انضمامی وضعیت آینده را متذکر می‌سازد؛ بنابراین موسیقیدانان جوان می‌توانند خود را محک بزنند و جایگاه خود را تشخیص دهند یا مطمئن شوند که در جامعه موسیقی خود و کشور آنچه در ذهن خود می‌پندارند تا چه اندازه با واقعیت نزدیک است. جشنواره موسیقی جوان نمی‌تواند صرفاً به یک نفر یا چند نفر توجه نشان دهد، این جشنواره چفتی را نشان می‌دهد و سعی دارد به حفظ صورت و محتوای موسیقی ایران یاری رساند. اما اطلاق مفهوم دیده شدن برای برخی از انواع موسیقی مانند مقامی یک تناقض است.

بیانیه‌ها به‌طور کامل عمل نمی‌کنند. خود آنها هم در بندهای دیگری گرفتارند که به سیاست‌های فرهنگی دولت مربوط است. نمی‌توان به شیوه انتزاعی موضوعات را تحلیل و درک کرد، سیستم فرهنگی کشور دچار عارضه است و در آن چندگانگی هست. همیشه محتواها در اجرا ابتر می‌ماند و حتی صورت اجرا هم می‌بایست تابع ملاحظاتایی باشد. این رویه به هنر و موسیقی ما صدمه زده است. یکی از دلایل تداوم چنین وضعیتی به‌راگبری مدیران فرهنگی حرف‌شنو است که وظیفه مهم آنها ترجمه منویات جامعه هنری کشور در گوش و چشم مسئولان بالا دست است و در عین حال راضی نگاه داشتن جامعه هنری با وعده‌هایی که اغلب عمل نمی‌شود، این مدیران تعدیل‌کننده‌اند. خوب، خیلی از هنرمندان که در کار خود واضح و روشن عمل می‌کنند تن به تعدیل خواسته‌های خود نمی‌دهند.

■ **رسانه ملی چون تلویزیون در هدایت یا عدم هدایت هنرمندان جوانی چون پارساخائف ومبین درپور و امثال این هنرمندان جوان که استعدادهای خود را در چنین رسانه‌هایی جست‌وجو می‌کنند چقدر اثرگذار است؟**

این سوال مهمی است، تلویزیون می‌تواند نقش محوری ایفا کند اما چون ساختار سیاسی دارد، جریان معرفتی موسیقی ایران را در لایه‌های تاریخی و فرهنگی قرار نمی‌دهد.



پارسا خافا I

تلویزیون دانسته یا نادانسته یکی از عوامل نابودی انواع موسیقی معرفتی است. حتی در الحان مذهبی و نوحه‌ها و مدح و مرثیه هم امکان این وقوع وجود دارد. بسیاری از نوحه‌خوانان از اصالت‌های این الحان دور شده‌اند. تلویزیون از فرهنگ اقوام ایرانی واهمه دارد، شما در شبکه‌های سراسری یک گوینده با لباس محلی کردی، آذری یا بلوچی نمی‌بینید، مراسم شادمانی حقیقی فرهنگ‌های ایرانی به‌طور زنده بخش نمی‌شود، تلویزیون جشنواره‌ها را به‌صورت گزینشی گزارش می‌کند که نوعی رفع تکلیف است، تلویزیون به دیارتحمان‌های تخصصی مستقل هنری نیاز دارد و یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها در تلویزیون، ساز موسیقی است، هنرمندان ریشه‌دار نمی‌پذیرند بخشی از اجرا حذف گردد. خوب، این سبب

تلویزیون هرگز مدافع موسیقی جدی نبوده

تلویزیون در چهار دهه گذشته مگر در موارد جزئی و مناسبتی هرگز مدافع انواع موسیقی جدی و ریشه‌دار نبوده، برنامه‌هایی با ساختار خنگ و شو هستند که همه چیز را با هم مخلوط می‌کنند، این برنامه‌ها وظیفه دارند سریع و یک‌بشه موضوعی را به شهرت یا دیده شدن برسانند که یک جور فست‌فود فرهنگی سطحی و مصرف‌رایانه است، می‌دانید این‌ها کی نازل برنامه‌های مغرب زمین است. تناقض آشکار است که تلویزیون مدام در حال تغییر گوش و معرفت شنیداری مردم به سمت جنسی بی‌ریشه در موسیقی است، یک شو ناگهان و به ظاهر مبلغ موسیقی معرفتی و مقامی ساخته می‌شود، در این برنامه‌ها موسیقی مقامی که منشأ معرفت شنیداری ایرانیان است در کنار معلق زدن و شعیبد بازی قرار می‌گیرد. این ادامه یکسان سازی محصولات با جنس و فصل متفاوت به مثابه مصرف محض و کلیشه‌ای است، معانی نزول داده می‌شود و رسم‌های بی‌بنیاد جای آیین‌های عمیق را می‌گیرد. درسال‌های اخیر پس از سال‌ها مطالعه تخصصی ما- یعنی متخصصان آکادمیک- به این باور رسیدیم که صلاحیت دآوری موسیقی مقامی را نداریم، جشنواره ملی موسیقی جوان در پی طرح مسأله مهم مدت‌هاست از استادان موسیقی مقامی که زاده آن موسیقی هستند برای قضاوت دعوت به عمل می‌آورد. خوب ملاحظه بفرمایید در یک شو موضوع معنا و تجلی آن نیست. نزول امور به سرگرمی و مفهوم دیده شدن است.

می‌شود انواع نازل تر اجراهای موسیقی فرصت یابند و نتیجه این کار سبب شده که مردم موسیقی را از رسانه‌های غیر ملی بشنوند و همواره به کار رسانه ملی گله داشته باشند و آن را ملی ندانند.

■ **شاید از نگاه دیگر بتوان گفت استاد نور محمد درپور و موسیقی مقامی که سال‌ها رسانه ملی بانام این بزرگان و این نوع موسیقی اصیل بیگانه بوده، این برنامه ایجاد فرصت یا عرصه‌ای برای معرفی این بزرگان به مردم باشد؟**

هر چیز به‌جای خویش نیکوست، این برنامه‌ها و ذهن و گوش مردم را در موضوعات جدی و متمرکز گمراه می‌کنند و بهتر است به‌کار خود بپردازند. بجای نیست در یک کاباره الحان آیینی ارائه شود یا در یک شو تلویزیونی کسانی که بیرون از الحان موسیقی تربت جام هستند آن را تأیید یا تکذیب کنند. اصولی نیست این پیام را به موسیقیدانان فرهنگ‌های ایرانی پیام دهیم که راه بیراهه است. در واقع این گونه برنامه‌ها قداست‌زدایی می‌کنند. یک نفر صاحب الحان از نسل حقیقی موسیقی تربت جام با حتی موسیقی سنتی ایران، در حقیقت امر میراث معنوی و معرفت شنیداری جامعه خود را حمل می‌کند، شوهای این چنینی با هدف دیده شدن و سرگرمی برای آن ویرانگر است.

■ **اگر بخواهید به زبان تخصصی در عرفان ایرانی که پشتوانه موسیقی مقامی است موضوع را نقد کنید**

■ **چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۹**

■ **سال بیست و ششم**

■ **شماره ۷۳۶۶**



این شعرها از سوی احمد نادعلی زاده، استاد دانشگاه اورگان و ایدرا نووی، شاعر، نویسنده و مترجم امریکایی به انگلیسی انجام گرفته. نشر پنگون هم‌زمان با انتشار نسخه چاپی، کتاب صوتی آن را هم منتشر کرده که برای اولین بار در خانه شعر امریکا، واقع در نیویورک رونمایی شد و طی همین چند روز اخیر با استقبال خوبی از سوی نشریات تخصصی روبه‌رو شده است. نو و از خداشناسی را برای آنها رقم زد در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان هم شاهد انتشار آثار متعددی بودیم؛ از جمله کتاب شادروان «سوسن طاق‌دیس» که پنجم اردیبهشت ماه سال جاری با زندگی وادع گفت، شاعر و نویسنده‌ای که او را از افراد اثرگذار این

گروه سنی می‌دانند. این کتاب که آخرین اثر طاق‌دیس به شمار می‌آید«خدایا... خدایا!» نام دارد و با همراهی نشر نیستان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. «خدایا... خدایا» دربردارنده ۱۰ نپایش است که در آن کودکان با پروردگار خود سخن گفته‌اند. این اثر راتلاشی می‌داند که طاق‌دیس در آن تلاش کرده به زبان کودکان شکلی تازه نو از خداشناسی را برای آنها رقم زند در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان هم شاهد انتشار آثار متعددی بودیم؛ از جمله کتاب شادروان «سوسن طاق‌دیس» که پنجم اردیبهشت ماه سال جاری با زندگی وادع گفت، شاعر و نویسنده‌ای که او را از افراد اثرگذار این

حمید رضا دالان پژوهشگر موسیقی و عضو هیأت داوران جشنواره ملی موسیقی جوان در گفت‌وگو با «ایران»

قداست‌زدایی در عصر جدید

ماه‌ای از آن چیست؟

تناقض میان غفلت و حیرت است. شو تلویزیون اغلب وظیفه دارد غفلت ایجاد کند، رنگ‌بهرنگ باشد، میان موفق و ناموفق داوری کند و جایزه بدهد. موسیقی مقامی حیرت و جلوت ایجاد می‌کند، متمرکز و وحدت‌گراست، موضوعش دیدار مقام جمع است. دیده شدن فرد نیست. مبین درپور نوه نور محمد درپور است، نورمحمد شاگرد ملا داد خدای کبودانی، ملا یاسین میردار، ملا آواره و استادان اهل معرفت بوده، یک زنجیره آیینی که در کار حیرت است. در میان متفکران و آیین‌شناسان حتی حضور این نوع آیین‌ها در یک جشنواره فنی و تخصصی هم نقد می‌شود. مسأله آنجا بغرنج‌تر است که تلویزیون سال‌ها و مدت‌ها به صدها استاد موسیقی مقامی بی‌اعتنا بوده اما در یک شب یکباره مدافع این نوع موسیقی می‌شود. در زمان و مکان غیر متمرکز، که ذات متمرکز از این نوع الحان را محو می‌کند.

■ **وظیفه رسانه‌ای چون تلویزیون در معرفی موسیقی درست و هنرمندان چیست؟**
ساده‌ترین وظیفه بخش زنده آیین‌های آنها در اقصی نقاط کشور است، یا لاقل پخش زنده جشنواره موسیقی جوان و جشنواره‌های فرهنگی دیگر، ده‌ها نوع از موسیقی سنتی، کلاسیک و مقامی با شرکت صدها نوازنده در حضور داوران آیین‌ها در یک جشنواره فنی و تخصصی هم نقد می‌شود. مسأله آنجا بغرنج‌تر است که تلویزیون به‌خود به وسعت اقوام ایرانی حضور دارند. خوب تلویزیون مدام مشغول نصحیت کردن مردم است اما خود نصحیت بر حاصل فرهنگ‌های آیینی موسیقیدانان جوان ایران را نمی‌شود.

■ **که لایلی سبب این وضعیت می‌شود؟**



دامنه بحث گسترده است، مارشال مک لوهان دهکده جهانی را به واسطه توسعه تکنولوژی و رسانه‌های مجازی طرح مسأله کرد.

این تئوری اگرچه بسیار نقد شده است اما و عبارت بسیار مهم «رسانه پیام است» را همسو با ظهور نظریه دهکده جهانی ابداع کرد، در مفهوم این عبارت با درک وضعیت تکنولوژی و صورت رسانه‌های جدید که در حال تغییرند کره خورده است. از نظر او رسانه چیزی در امتداد حیات انسان است و انسان معاصر نمی‌تواند ر رسانه را در بیرون خود جای دهد و نظاره کند، بنابراین انسان امعاصر رسانه را همراه و در امتداد خود درک می‌کند. مک لوهان به این مسأله توجه داشت که ساکنان جوامع معاصر چنان جزئی بی‌شده‌اند که کلیات و ساختارهای کلان را نمی‌بینند. اما این جوهره رسانه است که زمینه‌ساز مفاهیم پیام‌هاست. پیام در بطن خود تغییر وضعیت را سبب می‌شود و تغییر وضعیت‌ها پس از وقوع به ادراک ما در می‌آیند یا در آن قرار می‌گیریم بی‌آنکه اراده‌ای در انتخاب آن داشته باشیم. ارتباط این بحث با موضوع ما ناگزیرها و دترمینسم حاکم بر نظریه مک لوهان را گوشزد می‌کند که چطور جوامع بی‌اختیار در شرایطی قرار می‌گیرند که خود منشأ آن نبوده‌اند. ما به آسانی نمی‌توانیم از تأثیرات آداب و رسوم بنیاد شوهای امریکایی دور بمانیم.

سه ستاره

همکاری مثلث اصغر فرهادی، امیرجدیدی و محسن تانینده خبر داغ این روزهای سینمای ایران است

محدثه واعظی‌پور
روزنامه‌نگار

مهم‌ترین فیلمساز سینمای ایران در دهه هشتاد. کارگردانی که سینمادوستان ایرانی را به رؤیای اسکار رساند و پدیده‌ای منحصربه فرد که رشد و موفقیتش ربطی به حمایت نهادها و ارگان‌ها نداشت. نه در مرحله تولید و نه در مرحله نمایش فیلم‌هایش. اصغر فرهادی را اگر نه محبوب‌ترین سینماگر ایرانی یک دهه اخیر که می‌توان یکی از محبوب‌ترین‌ها و البته شاخص‌ترین آنها دانست. فیلمسازی که بر نسلی از کارگردان‌های پس از خود تأثیر گذاشت و خونی تازه به سینمای اجتماعی تزریق کرد.

درباره فرهادی بسیار گفته و نوشته شده، کارگردانی که محبوبیتش محدود به منتقدان نیست، اعتبارش تنها مختص به ایران یا آسیا نیست. بیسبزی از مردم بویژه به خاطر افتخارهایی که برای سینمای ایران آفریده او را می‌شناسند. فرهادی توانسته تصویر تاریک و تلخی که بعضی از فیلمسازان، از ایران برای تماشاگر فرنگی خلق کرده و می‌کنند تعدیل کند و تغییر بدهد. او طبقه‌ای از مردم، بخشی از این فرهنگ و گوشه‌ای از بحران‌های این جامعه درگیر و دار سنت و مدرنیت را به مخاطب غربی شناسانده که مغفول و پنهان مانده بود و در تصاویر کارت پستالی از جغرافیای کمتر دیده شده ایران یا فیلم‌هایی که بدویت و فقر را غلو شده به نمایش می‌گذاشتند از آنها اثری نبود.

■ **«رقص در غبار» تا اسکار**

فرهادی با نخستین فیلمش «رقص در غبار» نظر منتقدان را جلب کرد. این موفقیت در سطحی گسترده‌تر

برای «شهر زیبا» و «چهارشنبه سوری» هم تکرار شد. او با سه فیلم به چهره‌ای مطرح تبدیل شده بود که فیلم به فیلم بهتر می‌شد و انتظارها را بالاتر می‌رفت. نقطه عطف کارنامه او اما «درباره‌الی» بود. فیلمی که خرس طلایی بهترین کارگردانی جشنواره برلین را برای سازنده‌اش به ارمغان آورد و بستر دیده شدن «جدایی نادر از سیمین» را فراهم کرد. فیلمی که پدیده بیست و نهمین جشنواره فجر بود و نوار درخشش تا اسکار رسید و سینمای ایران را صاحب جایزه‌ای کرد که همواره از آن دریغ شده بود.

■ **«اسکار» و «جدایی» فصلی تازه در زندگی حرفه‌ای فرهادی آغاز شد.** حالا او فیلمسازی بود که تهیه‌کنندگان خارجی مایل بودند با او در پروژه‌هایی متفاوت‌تر از آنچه در ایران تجربه کرده بود، همکاری کنند. «گذشته» یک اتفاق در کارنامه فرهادی نبود، اما تصویری که از زندگی و روابط در غرب ارائه می‌داد، شبیه اغلب تصاویری نبود که فیلمسازان شرقی بویژه ایرانی محتاطانه

و گاهی مرعوب شده برایشان ساخته بودند. او آنجا هم تنهایی انسان، پیچیدگی روابط و شکست‌ها و ناگامی‌های انسان ارائه می‌داد، شبیه اغلب «فروشنده» فرهادی به سینمای ایران بازگشت. بازگشتی که موفقیت «درباره‌الی» یا «جدایی» را برایش تکرار نکرد اما این فیلم هم دوستان‌اران فراوانی داشت. بویژه مضمون مثلث فیلم و فضایی که برای تماشاگر درباره قضاوت کردن با بخشیدن ایجاد می‌کرد به عنصر برجسته و چالش برانگیز فیلم تبدیل شد. «همه می‌دانند، دومین فیلمی که فرهادی خارج از ایران کارگردانی کرد، اثری متوسط با تعلیق و گره آفرینی‌هایی بود که پیش از آن در بهترین فیلم‌هایش به بهترین شکل با آن روبه‌رو شده بودیم.

■ **بازگشت پرافتخارترین فیلمساز ایران به سرزمین مادری**
حالا و دو سال پس از «همه می‌دانند» پرافتخارترین فیلمساز ایران دوباره به سرزمین مادری بازگشته تا اینجا و با حضور بازیگران ایرانی فیلم بسازد. از همان زمان که خبر تولید فیلم شنیده شد، گمانه زنی‌ها هم آغاز شد.

فرهادی فیلمسازی مهم است و نمی‌توان به سادگی از خبر تولید فیلم تازه‌اش گذشت و نسبت به ترکیب بازیگران و عواملش بی‌تفاوت بود. نخست شنیده شد نوید محمدزاده نقش اصلی فیلم را بازی می‌کند. ستاره‌ای که این روزها در اوج است و محبوب و پرافتخار. همکاری با فرهادی می‌توانست فرصتی تازه برای درخشش او باشد اما با تکذیب حضور محمدزاده، دو نام دیگر به شکل رسمی به‌عنوان بازیگران اصلی فیلم معرفی شدند. ترکیبی دور از ذهن، متفاوت اما جذاب. امیر جدیدی و محسن تانینده. دو بازیگر با کارنامه متفاوت و ویژگی‌هایی دور از هم که بخت سرافشان آمده و به فرصتی دست یافته‌اند که از روی بسیاری از بازیگران ایران و حتی جهان است. اگرچه اعتبار و جایگاه حرفه‌ای فرهادی از بازیگران فیلمش بسیار بالاتر است، اما هر یک از آنها با نقش آفرینی‌های خود استعداد و قریحه‌شان را نشان داده‌اند. امیر جدیدی که شایسته بود به «قهرمان» برسد، چرا که در سال‌های اخیر یکی از بهترین‌های سینمای ایران بوده و طیف‌های متنوعی از نقش‌ها را بازی کرده و محسن تانینده بازیگری بااستعداد است که می‌تواند فراتر از همه نقش آفرینی‌های خویش دیده و تحسین شود.

اغلب بازیگرانی که با فرهادی همکاری کرده‌اند در آثار او بالاتر از تجربه‌های قبلی خود دیده شده‌اند، حالا نوبت دو ستاره است. یکی ستاره سینما و دیگری ستاره تلویزیون تا به چندان‌داده‌هایی وسیع‌تر و دنیایی بزرگ‌تر بینیشند. با فرهادی و با «قهرمان»